

برآورد خط فقر در ایران طی سالهای ۱۳۶۳-۱۳۷۹

فرهاد خداداد کاشی* خلیل حیدری** فریده باقری***

در این مقاله خط فقر مناطق شهری و روستایی ایران طی سالهای ۱۳۶۳-۱۳۷۹ بر پایه چهار روش نیاز به کالری، درصدی از میانه مخارج خانوارها، درصدی از میانگین مخارج خانوارها و معکوس ضریب انگل برآورد شده است. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که خط فقر یک واقعیت خارجی ثابت نیست و با توجه به طرز تلقی و تعریف محقق از فقر و متغیرهای مورد استفاده برای ارزیابی آن می‌توان مقادیر متفاوتی برای خط فقر به دست آورد. یافته‌های این پژوهش دلالت بر آن دارد که در طی دوره مطالعه همواره خط فقر شهری بزرگ‌تر از خط فقر روستایی است و خط فقر، مبتنی بر مفهوم مطلق کوچک‌تر از خط فقر مبتنی بر مفهوم نسبی فقر است. بیشترین اندازه فقر در جوامع شهری و روستایی ایران مربوط به روش معکوس ضریب انگل می‌باشد.

کلید واژه‌ها: خط فقر، درصد افراد فقیر، رویکرد نسبت غذا، رویکرد نیازهای اساسی خوراکی، شکاف

فقر، فقر مطلق، فقر نسبی، معکوس ضریب انگل

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۴/۶/۱۹

تاریخ دریافت مقاله: ۸۴/۲/۱۹

* دکترای اقتصاد، عضو هیات علمی سازمان مرکزی دانشگاه پیام نور <khodadad2001@pnu.ac.ir>

** کارشناس ارشد اقتصاد، عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

*** کارشناس ارشد اقتصاد، عضو هیات علمی پژوهشکده آمار

مقدمه

فقر مقوله‌ای است چندبعدی و محققین با توجه به دیدگاه و رشته مطالعاتی خود به بررسی آن از جنبه‌های مختلف می‌پردازند. در چند دهه اخیر کاهش فقر هم در برنامه سازمان‌های بین‌المللی و هم در برنامه کشورهای مختلف قرار گرفته است. در حوزه سیاست‌گذاری برای کاهش فقر ابتدا باید توان و ظرفیت اقتصاد ملی برای مبارزه با فقر ارزیابی گردد. در درازمدت کاهش فقر در گرو رشد و توسعه اقتصادی است. اما در کوتاه‌مدت برای تنظیم سیاست‌های حمایتی و مبارزه با فقر ابتدا می‌باید متناسب با منابع مالی در دسترس، مفهوم مناسبی از فقر در نظر گرفته شود. برای مثال اگر چنانچه یکی از کشورهای توسعه‌یافته صنعتی درصدها فقر نزد اتباع کشور خود برآید مسلماً می‌باید مفهوم نسبی فقر را بپذیرد زیرا اساساً در چنین کشوری ممکن است فقر به مفهوم مطلق وجود نداشته باشد. پس از انتخاب مفهوم فقر می‌توان با استفاده از روش‌های معرفی شده در این مقاله یا سایر روش‌ها، خط فقر را محاسبه و درصد افراد فقیر را اندازه گرفت. در طی سال‌های اخیر مطالعات متعددی پیرامون فقر در ایران صورت گرفته است و تمرکز این مطالعات بر محاسبه خط فقر و تعیین درصد افراد فقیر بوده است. محاسبه «درصد افراد فقیر» اگر چه جنبه‌ای از موضوع فقر کشور را به نمایش می‌گذارد اما واقعیت این است که «درصد افراد فقیر» که بر اساس خط فقر قابل محاسبه می‌باشد منعکس‌کننده تمامی واقعیت فقر نیست و اساساً از پشتوانه نظری مستدل و قوی برخوردار نیست. برای اولین بار آمارتیا سن در سال ۱۹۷۶ در طی یک مقاله توانست شاخص فقری را ارائه کند که دارای زیربنای نظری قوی بود به طوری که شاخص «درصد افراد فقیر»، «شکاف فقر» و ضریب جینی توزیع درآمد بین خانوارها از اجزای آن بودند.

تمرکز این مقاله بر خط فقر و روش‌های محاسبه و اندازه‌گیری آن در ایران می‌باشد. در خصوص فقر و اندازه آن در ایران و همچنین تاثیر سیاست‌های اقتصادی مختلف بر فقر

مطالعات مختلفی صورت گرفته است اما با بررسی این مطالعات متوجه می‌شویم که «درصد افراد فقیر» محاسبه شده دارای دامنه بسیار وسیعی است، به طوری که برای مثال بعضی محققین معتقدند در یک سال معین کمتر از ۱۸ درصد جمعیت ایران فقیر می‌باشند و بعضی نتیجه گرفته‌اند ۷۰ درصد جمعیت درگیر فقر می‌باشند علت این تفاوت شدید در چیست؟ برای تفاوت اندازه فقر در مطالعات مختلف چند دلیل را می‌توان برشمرد: اول آنکه مفهوم فقر از نظر محققین مختلف ممکن است متفاوت باشد. نگاه اندیشمندان و محققین به فقر و طرز تلقی و تعریف آن‌ها از فقر متفاوت است. دوم آنکه برای اندازه‌گیری فقر روش واحد مورد توافقی وجود ندارد و هر محقق از یک روش خاص برای محاسبه فقر استفاده می‌کند. سوم آنکه متغیر یا متغیرهایی که به کمک آن‌ها فقر ارزیابی می‌شود متعدد می‌باشند و همین امر موجب تفاوت در اندازه فقر در مطالعات مختلف می‌شود؛ برای مثال اگر در اندازه‌گیری فقر از درآمد استفاده شود، نتایج، متفاوت از زمانی خواهد شد که از متغیر مخارج استفاده شود.

در این مقاله نشان داده می‌شود که خط فقر یک واقعیت خارجی ثابت نیست که دارای ارزش معین باشد و ضرورتی ندارد که تمامی مطالعات به یک ارزش ریالی واحدی برای خط فقر در سال معین دست‌یابند؛ البته در حوزه سیاست‌گذاری برای امحاء فقر می‌باید مفهومی از فقر مورد پذیرش قرار گیرد که با درجه توسعه اقتصادی کشور سازگار باشد. بر این اساس در این مقاله کوشش شده است که خط فقر بر اساس مفاهیم مختلف و روش‌های مختلف محاسبه گردد تا مشخص گردد که اندازه خط فقر تا چه میزان می‌تواند متغیر باشد. خط فقرهای مختلف سایر شاخص‌های فقر همچون «درصد افراد فقیر»، «شکاف فقر» و «اندازه فقر» را متاثر می‌سازند.

این مقاله به ترتیبی سازماندهی شده است که در بخش دوم به مفاهیم فقر، تعریف خط فقر و انواع روش‌های محاسبه خط فقر اشاره می‌شود؛ در بخش سوم داده‌ها معرفی می‌شوند و

در بخش چهارم اندازه خط فقر بر اساس مفاهیم و روش‌های مختلف برای مناطق شهری و روستایی ایران در طی دوره ۷۹-۱۳۶۳ محاسبه می‌شود و در نهایت در بخش پنجم، بحث و نتیجه‌گیری مورد توجه قرار می‌گیرد.

۱) مفاهیم مختلف فقر

فقر بر حسب مکان و زمان به صورت‌های مختلف تعریف شده و همواره بین محققان اختلاف نظر وجود داشته است؛ ولی اکثر این محققان و مفسران در خصوص نیاز به تعریف فقر اتفاق نظر دارند. تانسنند (۱۹۸۵) در مطالعات خود در خصوص فقر در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ فقر را به صورت زیر تعریف کرده است: «افراد، خانواده‌ها و گروه‌های جمعیتی را زمانی می‌توان فقیر به حساب آورد که با فقدان منابع برای کسب انواع رژیم‌های غذایی، مشارکت در فعالیت‌ها و شرایط و امکانات معمول زندگی، مواجه باشند».

از نظر سن (Sen) کلیه تعاریف صورت گرفته در خصوص فقر به نوعی به محرومیت، اشاره می‌کنند. البته محرومیت خود یک مفهومی نسبی است که ممکن است در مکان‌ها و زمان‌های متفاوت کاملاً با هم فرق داشته باشند. از دیدگاه بانک توسعه آسیا فقر عبارت است از محرومیت از دارایی‌ها و فرصت‌هایی که هر فرد مستحق آن‌ها می‌باشد.

بوت و راونتری (Booth & Rowntree) دو نفر از پیشگامان مطالعات فقر در کشور انگلستان در اواخر قرن نوزدهم تلاش کردند که بین فقر مطلق و فقر نسبی تمایز قائل شوند. فقر مطلق یک موضوع عینی است که برحسب «ناتوانی در کسب حداقل استاندارد زندگی» تعریف شده است. اگر فردی در سطحی کمتر از این حداقل باشد توان لازم را برای ادامه زندگی نخواهد داشت.

در مقابل فقر مطلق، فقر نسبی قرار دارد که یک موضوع نسبی است و به ناتوانی در دسترسی به یک سطح معین از استانداردهای زندگی که در جامعه فعلی لازم یا مطلوب

تشخیص داده می‌شود تعریف شده است. به این ترتیب در تعریف فقر نسبی به نابرابری در توزیع درآمد و ثروت بیش از میزان مطلق درآمد افراد توجه می‌شود. اما حداقل رفاه یا حداقل معاش مفهومی است که تعریف واحدی برای آن‌ها وجود ندارد. کوچک‌ترین تغییر در مفهوم حداقل رفاه یا حداقل معاش، موجب تغییر اساسی در اندازه فقر می‌شود. علی‌رغم عدم توافق راجع به حداقل معاش، هر محقق ناچار است یک تعریف عملیاتی از آن ارائه دهد تا به کمک آن امکان محاسبه اندازه فقر فراهم آید. پس از تعریف و تعیین حداقل معاش، شرایط برای محاسبه ما به ازای ریالی آن فراهم می‌شود. هزینه ریالی تامین حداقل معاش به خط فقر موسوم است. با توجه به این که فقر از ابعاد مختلفی همچون فقر نسبی و فقر ذهنی تعریف می‌شود بنابراین می‌توان انتظار داشت که با توجه به مفاهیم مختلف فقر، انواع خط فقر را بتوان اندازه گرفت.

۲) تعریف خط فقر

به عقیده مارتین راولیون (۱۹۹۸) خط فقر عبارت است از مخارجی که یک فرد در یک زمان و مکان معین برای دسترسی به یک سطح حداقل رفاه متحمل می‌شود، افرادی که به این سطح رفاه دسترسی ندارند فقیر تلقی می‌شوند و کسانی که به این سطح حداقل رفاه دسترسی دارند غیرفقیر می‌باشند. برای اندازه‌گیری فقر و تعیین فقیرها و تمیز آن‌ها از غیرفقیرها به یک آستانه یا ملاک به نام خط فقر نیاز می‌باشد، این آستانه چیست و چگونه اندازه‌گیری می‌شود؟ این آستانه را می‌توان بر اساس واحد پولی و حداقل مخارج برای ادامه حیات تعریف نمود. اما مفهوم ادامه حیات خود، کاملاً روشن نمی‌باشد. همین ابهام موجب شده است که تعاریف مختلفی از فقر و خط فقر ارائه شود. بعضی از محققین، حداقل معاش برای ادامه حیات را بر حسب میزان انرژی و پروتئین مورد نیاز بدن تعریف می‌کنند. برای مثال در کشور چین حداقل معاش بر اساس نیاز بدن ۲۱۵۰ کالری در روز

تعریف شده است به طوری که ۹۰ درصد آن از غلات و تنها ۱۰ درصد دیگر با مصرف خوراکی‌هایی به جز غلات تامین شده باشد. در کشور اندونزی خط فقر بر حسب ۲۰۰۰ کالری تعریف می‌شود، به طوری که ۶۶ درصد آن از طریق غلات تامین شده باشد. در کشورهای تایلند و فیلیپین حداقل معاش بر حسب ۲۰۰۰ کالری روزانه تعریف شده است. در کشور تایلند برای محاسبه هزینه ریالی تأمین ۲۰۰۰ کالری انرژی مورد نیاز فرض می‌شود که در مناطق شهری معادل ۷۰ درصد آن و در مناطق روستایی ۷۷ درصد آن از طریق مصرف غلات تامین شده باشد.

بسته به این که فقر مطلق یا نسبی در نظر گرفته شود، آستانه‌ای تعریف می‌شود که مرز بین فقیران و سایر افراد جامعه را مشخص می‌کند. این آستانه «خط فقر» نامیده می‌شود. به این ترتیب ملاحظه می‌شود که خط فقر نیز دارای دو مفهوم مطلق و نسبی است که انتخاب هر یک از این دو در سیاست‌های عملی فقرزدایی حائز اهمیت می‌باشد زیرا شاخص‌های فقر مبتنی بر هر یک از این دو مفهوم، حساسیت‌های متفاوتی در مقابل تغییرات اقتصادی - اجتماعی کوتاه‌مدت و بلندمدت و یا نابرابری درآمد از خود نشان می‌دهند.

بر اساس تعریف، خط فقر مطلق عبارت از مقدار درآمدی است که با توجه به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... جامعه مورد بررسی، برای تامین حداقل نیازهای افراد (مانند غذا، پوشاک، مسکن و...) لازم است و عدم تامین آن موجب می‌شود تا فرد مورد بررسی به عنوان فقیر در نظر گرفته شود. این روش تعیین خط فقر را «روش نیازهای اساسی» (Basic-Needs Approach) نیز می‌گویند. (ابوالفتحی، ۱۳۷۱: ۱۰۰).

در این روش ابتدا میزانی از درآمد برای تامین هزینه‌های غذایی مصرفی در نظر گرفته می‌شود سپس مقداری درآمد ثابت برای تامین هزینه حداقل سایر نیازهای اساسی به آن افزوده می‌شود و بدین ترتیب خط فقر محاسبه می‌شود (روش روانتری). در روش دیگر با در نظر گرفتن حداقل هزینه‌های غذای لازم برای زنده ماندن فرد و با استفاده از میانگین

هندسی نسبت هزینه غذا به هزینه کل فرد در جامعه مورد بررسی، خط فقر یا حداقل درآمد مورد نیاز برای تامین هزینه‌های اساسی به دست می‌آید (روش ارشانشکی). برای محاسبه نسبت هزینه غذا به کل مخارج می‌توان از تابع انگل استفاده نمود. از ضریب انگل محاسبه شده می‌توان وضعیت هر فرد جامعه را شناسایی نمود. به کمک ضریب انگل می‌توان نسبت هزینه غذا به مخارج کل را برای متوسط جامعه محاسبه نمود و سپس با مقایسه این نسبت با نسبت هزینه غذا به کل مخارج هر فرد مشخص نمود که آیا وی فقیر می‌باشد یا خیر (روش نسبت غذا، Food-Rario Method). در برخی مواقع برای تعیین خط فقر، روش ارشانشکی با اندکی تعدیل به کار گرفته می‌شود. به این صورت که به جای میانگین هندسی نسبت هزینه غذا به کل هزینه فرد در کل جامعه مورد بررسی، از میانگین نسبت غذا به کل هزینه پایین‌ترین طبقه درآمدی جامعه استفاده می‌شود. گاهی اوقات برای تعیین خط فقر مطلق از روش حداقل درآمد لازم برای تامین نیازهای اساسی استفاده نمی‌شود بلکه برای مشخص کردن حداقل نیازهای اساسی برای زندگی، حداقل ویژگی‌های کیفی نظیر حداقل کالری و پروتئین دریافتی روزانه، حداقل سطح زیربنای مسکونی سرانه، حداقل میزان تحصیلات سرپرست خانوار، حداقل تعداد افراد باسواد خانواده و... نیز در نظر گرفته می‌شوند و در صورتی که هر یک از افراد جامعه حداقل یکی از این ویژگی‌ها را دارا نباشد فقیر محسوب می‌شود. خط فقر نسبی یا به صورت درصد معینی از درآمد جامعه و یا به شکل یک مرز درآمدی که درصد معینی از افراد جامعه پایین‌تر از آن قرار می‌گیرند، تعریف می‌شود. انتخاب خط فقر نسبی موجب می‌شود که همواره در جامعه عده‌ای افراد به‌عنوان فقیر معرفی شوند. در خصوص کاربرد خط فقر نسبی باید توجه داشت که هر قدر هم درآمد افراد جامعه بالا باشد و تمامی آحاد جامعه از حداقل نیازها برخوردار باشند، مع‌هذا همواره درصدی از افراد جامعه در مقایسه با سایر افراد جامعه فقیر تلقی می‌شوند.

این مسئله مهم‌ترین اشکال خط فقر نسبی است که استفاده از آن را در سیاست‌های فقرزدایی دچار مشکل می‌کند؛ زیرا کاربرد آن، در اندازه‌گیری اثرات این سیاست‌ها در کاهش فقر تناقضاتی را به وجود می‌آورد. خط فقر نسبی و شاخص‌های فقر نسبی بیش از آن‌که نمایانگر فقر باشند میزان نابرابری توزیع درآمد در جامعه را نشان می‌دهند زیرا تنها تغییرات نابرابری توزیع درآمد در جامعه بر آن‌ها اثر می‌گذارد و رشد و توسعه اقتصادی - اجتماعی جامعه اندازه آن‌ها را تغییر نمی‌دهد، در حالی که خط فقر مطلق در نتیجه رشد و توسعه اقتصادی - اجتماعی تغییر می‌کند. از این رو انتخاب خط فقر مطلق در مقایسه با خط فقر نسبی، از مزایای قابل توجهی برخوردار است و به همین دلیل عمده بررسی‌های انجام شده در خصوص فقر متکی بر کاربرد خط فقر مطلق است. به‌طور خلاصه خط فقر عبارت است از مخارجی که یک فرد در یک زمان و مکان معین برای دسترسی به یک سطح حداقل رفاه متحمل می‌شود. افرادی که به این سطح رفاه دسترسی ندارند فقیر تلقی می‌شوند و کسانی که به این سطح رفاه حداقل و بالاتر از آن دسترسی دارند غیرفقیر می‌باشند.

۳) داده‌ها

اطلاعات طرح آماری درآمد هزینه خانوار مرکز آمار، داده‌های لازم برای انواع مطالعه پیرامون رفتار مصرف‌کنندگان و محاسبه شاخص‌های فقر و توزیع درآمد را فراهم می‌سازد. در این مطالعه برای محاسبه خط فقر به روش‌های مختلف از داده‌های خام طرح آماری درآمد و هزینه خانوار مرکز آمار در طی سال‌های ۱۳۶۳-۷۹ استفاده شده است. برای استخراج داده‌های مورد نیاز ابتدا مخارج هر یک از خانوارهای نمونه سرانه شد و سپس خانوارها در قالب ده دهک درآمدی قرار گرفتند. ماتریس‌های عملکرد تغذیه‌ای دهک‌های درآمدی، انواع خط فقر بر اساس مخارج و مقادیر مصرف دهک‌های مختلف

درآمدی برای مناطق شهری و روستایی محاسبه شدند تا در این مقاله امکان محاسبه فقر به روش‌های مختلف فراهم آید.

۴) اندازه خط فقر در مناطق شهری و روستایی ایران: ۱۳۶۳-۷۹

روش‌های محاسبه خط فقر بسیار متنوع است. بسته به این‌که کدام مفهوم از فقر مورد نظر باشد روش محاسبه نیز فرق خواهد داشت. برای مثال توجه به مفهوم فقر مطلق یا نسبی و یا مفهوم عینی و ذهنی فقر هر کدام می‌تواند تعیین‌کننده روش محاسبه خط فقر باشند. به عبارت دیگر خط فقر مقدار معین و غیر قابل تغییر نیست، بلکه بسته به مفهومی که از فقر در نظر است، روش محاسبه آن نیز متفاوت خواهد بود. در این بررسی خط فقر بر اساس نیاز به کالری، درصدی از میانه مخارج خانوارها، درصدی از میانگین مخارج خانوارها و معکوس ضریب انگل در مناطق شهری و روستایی کشور طی سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۹ برآورده شده است. لازم به توضیح است که تمامی محاسبات بر اساس داده‌های طرح آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی مرکز آمار ایران می‌باشد.

۴-۱) برآورد خط فقر بر اساس نیاز کالری (روش پژویان)

پژویان (۱۹۹۴) با توجه به مفهوم مطلق فقر و روش نیازهای اساسی غذایی، خط فقر را برای ایران محاسبه نمود. در این مطالعه با استفاده از روش پژویان خط فقر شهری و روستایی برای دوره ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۹ محاسبه می‌شود. در این روش ابتدا لازم است با توجه به نظر متخصصین تغذیه حداقل نیاز هر فرد به ارزش‌های غذایی مثل کالری، پروتئین و ریزمغذی‌ها تعیین شود. در این مطالعه صرفاً به حداقل نیاز هر فرد به کالری به میزان ۲۱۷۹ کالری و ۲۳۰۰ کالری در روز (پژویان: ۱۳۷۱ و طرح الگوی مصرف: ۱۳۸۱) بسنده می‌شود. در مرحله بعد دو ماتریس حاوی داده‌های مصرفی خانوارها و ارزش‌های غذایی موجود در هر صد

گرم از هر یک از مواد غذایی تنظیم شد. در ماتریس اول میزان مصرف ده دهک درآمدی (مخارج) از هر یک از اقلام غذایی برای هر یک از سال‌های مورد نظر ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۹ برای مناطق شهری و روستایی تنظیم گردید. پس از آن ماتریس ارزش‌های غذایی (کالری، پروتئین، سدیم، کلسیم و...) موجود در هر صد گرم از مواد غذایی تنظیم شد و با ضرب نمودن دو ماتریس فوق، عملکرد تغذیه‌ای هر یک از دهک‌های درآمدی برای هر یک از سال‌های مورد نظر محاسبه شد. در واقع ماتریس‌ها حاصل ضرب، میزان انرژی (کالری)، پروتئین، سدیم، فسفر، کلسیم و... دریافتی فرد شاخص شهری (روستایی) و ده دهک درآمدی را مشخص می‌سازد.

از آنجا که در این مطالعه برای محاسبه خط فقر بر اساس روش نیازهای اساسی غذایی، به ارقام انرژی (کالری) نیاز بود بنابراین در مرحله بعد اولین دهکی که میزان انرژی دریافتی‌اش برابر ۲۱۷۹ (۲۳۰۰) کالری یا بیشتر بود برای هر یک از سال‌ها به تفکیک مناطق شهری و روستایی شناسایی شد و میزان انرژی (کالری) دریافتی دهک مورد نظر ثبت شد. برای مثال اگر در سال t ، دهک i ام اولین دهکی باشد که حداقل انرژی دریافتی را دریافت کرده باشد رقم انرژی دریافتی این دهک به صورت C_i^t مورد توجه قرار می‌گیرد.

در مرحله بعد با تقسیم مخارج کل دهک i ام بر میزان انرژی دریافتی این دهک هزینه تامین هر واحد انرژی (کالری) مشخص می‌گردد.

$$E_{ci}^t = \frac{E_i^t}{C_i^t}$$

در رابطه فوق E_i^t مخارج کل دهک i ام، C_i^t میزان انرژی دریافتی دهک i ام و E_{ci}^t مخارجی است که دهک i ام برای تامین هر واحد کالری متحمل شده است.

در مرحله بعد مازاد انرژی دریافتی دهک Δm نسبت به حداقل انرژی توصیه شده (۲۱۷۹ یا ۲۳۰۰ کالری) محاسبه می‌شود و عدد به دست آمده را در هزینه هر واحد انرژی ضرب می‌کنیم.

$$(EC)_i^t = c_i^t - 2179$$

$$(EE)_i^t = (EC)_i^t \times E_i^t$$

در روابط فوق E_{ci}^t مازاد کالری دریافتی دهک Δm و $(EE)_{ci}^t$ مخارج اضافی دهک Δm می‌باشد.

در آخرین مرحله با کم نمودن مخارج اضافی دهک Δm $(EE)_{ci}^t$ از کل مخارج دهک Δm ، خط فقر برای سال t محاسبه می‌شود.

$$PL = E_i^t - (EE)_i^t$$

اگر فرض شود هر نفر در روز تنها به ۲۱۷۹ کالری انرژی نیاز دارد در آن صورت میزان خط فقر برآوردی در طی سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۹ در جدول شماره ۱ نشان داده شده است. این نتایج دلالت بر آن دارد که خط فقر در مناطق شهری طی سال‌های مورد مطالعه روند صعودی داشته است به طوری که مقدار ماهانه آن برای یک فرد شهری از ۱۰۸۶۷ ریال در سال ۱۳۶۳ به ۱۵۳۴۰۸ ریال در سال ۱۳۷۹ افزایش یافته است؛ یعنی سالانه رشدی نزدیک به ۱۸ درصد داشته است که با توجه به تورم دورقمی در تمامی سال‌های مطالعه، این رشد دور از انتظار نیست. در مناطق روستایی خط فقر برای یک نفر در هر ماه در سال ۶۳ حدود ۳۵۰۳/۴ ریال برآورد گردیده که در سال ۷۹ به ۸۴۶۸۴/۵ ریال افزایش یافته است، یعنی سالانه رشدی نزدیک به ۲۲ درصد داشته که رشد سالانه آن بیشتر از مناطق شهری است ولی مقدار مطلق خط فقر شهری در تمامی سال‌های مورد مطالعه ۱/۲ تا ۳ برابر بیشتر از مناطق روستایی بوده است.

جدول ۱: برآورد خط فقر مناطق شهری و روستایی بر پایه نیاز به ۲۱۷۹ کالری در روز طی سال‌های ۷۹-۱۳۶۳ (سرانه - ماهانه - ریال)

روستایی	شهری	سال
۳۵۰۳	۱۰۸۶۷	۶۳
۴۳۲۰	۱۱۶۰۸	۶۴
۹۲۰۸	۱۲۶۵۷	۶۵
۹۰۷۹	۱۴۲۵۵	۶۶
۱۲۷۵۴	۲۵۰۰۷	۶۷
۸۸۵۱	۲۰۴۵۵	۶۸
۱۱۶۷۸	۲۱۰۳۰	۶۹
۱۰۱۱۹	۱۷۶۶۳	۷۰
۱۹۰۴۶	۳۱۵۰۲	۷۱
۲۵۶۳۹	۳۷۴۷۰	۷۲
۳۹۱۶۲	۶۳۳۵۵	۷۳
۴۰۱۲۰	۵۶۳۷۶	۷۴
۴۵۸۵۲	۷۷۲۳۴	۷۵
۵۰۱۷۷	۴۰۲۶۴	۷۶
۶۱۳۱۶	۱۱۰۷۵۲	۷۷
۶۴۴۷۱	۱۱۳۲۸۰	۷۸
۸۴۶۸۴	۱۵۳۴۰۸	۷۹

ماخذ: یافته‌های پژوهش

اگر نیاز روزانه هر فرد به کالری را معادل ۲۳۰۰ کالری در نظر بگیریم در این صورت مقدار خط فقر نسبت به فرض قبلی (۲۱۷۹ کالری) افزایش خواهد یافت. نتایج حاصل از برآورد خط فقر با این فرض برای مناطق شهری و روستایی در جدول شماره ۲ درج گردیده است.

این نتایج نشان می‌دهد یک نفر شهری در ماه برای تامین حداقل رفاه خود به ۱۱۴۷۰ ریال در سال ۱۳۶۳ نیاز داشته است که در سال ۱۳۷۹ این رقم به ۱۶۱۹۲۸/۵ ریال افزایش یافته است. رشد سالانه خط فقر ۱۸ درصد بوده است. برای مناطق روستایی خط فقر بر پایه نیاز به ۲۳۰۰ کالری در سال ۶۳ برای هر نفر در ماه ۳۶۹۸ ریال برآورد گردیده که در سال ۷۹ این رقم به ۸۹۳۸۳ ریال افزایش یافته است، یعنی سالانه رشدی معادل ۲۲ درصد داشته است.

جدول ۲: برآورد خط فقر مناطق شهری و روستایی بر پایه نیاز به ۲۳۰۰ کالری در روز طی

سال‌های ۷۹-۱۳۶۳ سرانه - ماهانه - ریال

روستایی	شهری	سال
۳۶۹۸	۱۱۴۷۰	۶۳
۵۰۱۸	۱۳۹۳۹	۶۴
۶۲۲۲	۱۳۳۶۰	۶۵
۸۸۱۳	۲۲۵۳۹	۶۶
۱۶۵۷۹	۲۶۳۹۶	۶۷
۹۳۴۷	۲۱۵۷۲	۶۸
۱۲۳۰۵	۲۳۴۲۷	۶۹
۱۸۰۸۲	۲۱۸۷۵	۷۰
۲۰۱۰۴	۳۳۲۵۱	۷۱
۲۷۰۶۲	۵۱۶۹۱	۷۲
۴۲۳۹۰	۷۵۹۸۴	۷۳
۴۲۳۴۸	۵۹۵۰۷	۷۴
۴۸۳۹۸	۸۱۵۲۳	۷۵
۵۸۵۳۸	۸۵۶۰۴	۷۶
۶۴۷۲۱	۱۱۶۹۰۲	۷۷
۶۸۰۵۲	۱۳۸۰۰۸	۷۸

۸۹۳۸۳	۱۶۱۹۲۸/۵	۷۹
-------	----------	----

ماخذ: یافته‌های پژوهش

۲-۴) برآورد خط فقر بر پایه درصدی از میانه یا میانگین خارج خانوارها

به منظور اندازه‌گیری خط فقر بر پایه مفهوم نسبی فقر می‌توان با محاسبه میانه یا میانگین مخارج خانوارها و تعیین درصدی از آن به‌عنوان خط فقر اقدام نمود. البته در این روش اگرچه به مفهوم نسبی فقر تاکید شده اما دیدگاه نظری مستدلی برای تعیین درصد مورد نظر وجود ندارد، و در واقع تعیین ۵۰ درصد و یا ۶۶ درصد اختیاری و تجربی است و هر محقق می‌تواند آن را برای خود تعیین نماید. با این حال براساس مطالعات گذشته، در این تحقیق از ۵۰ درصد و ۶۶ درصد میانه یا میانگین مخارج به‌عنوان دو معیار تعیین خط فقر استفاده شده است. در این روش ابتدا میانه یا میانگین مخارج محاسبه می‌شود، سپس در مرحله بعد ۵۰ یا ۶۶ درصد میانه یا میانگین مخارج به‌عنوان خط فقر در نظر گرفته می‌شود.

۱-۲-۴) میانه

یکی از روش‌های تعیین خط فقر که بر پایه مفهوم نسبی استوار است تعیین میانه مخارج خانوارها و محاسبه ۵۰ درصد یا ۶۶ درصد آن به‌عنوان خط فقر است. به منظور تعیین خط فقر ابتدا مخارج خانوارها در دهک درآمدی (هزینه‌ای) مرتب گردید و سپس از مخارج دهک‌های پنجم و ششم میانگین گرفته شد و این میانگین به‌عنوان میانه مخارج خانوارها در نظر گرفته شد و یک‌بار ۵۰ درصد این میانه و بار دیگر ۶۶ درصد آن به‌عنوان خط فقر در نظر گرفته شد.

نتایج برآورد خط فقر براساس ۵۰ درصد میانه مخارج برای مناطق شهری و روستایی طی سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۹ در جدول شماره ۳ درج گردیده است. این نتایج دلالت بر آن دارد که یک نفر شهری در سال ۱۳۶۳ برای تامین حداقل نیازهای خود حدود ۷۸۲۹ ریال لازم

داشته که در سال ۱۳۷۹ این رقم به ۱۷۰۴۶۷ ریال افزایش یافته است؛ یعنی سالانه رشدی معادل ۲۱ درصد داشته که نسبت به روش نیاز کالری، ۳ درصد رشد بیشتر نشان می‌دهد. خط فقر برآوردی در مناطق روستایی بر پایه ۵۰ درصد میانه مخارج در سال ۶۳ برابر ۳۸۳۴ ریال بوده که در سال ۷۹ به ۹۸۳۴۴ ریال افزایش یافته است؛ یعنی سالانه رشدی معادل ۲۲ درصد داشته است. مقایسه خط فقر شهری و روستایی دلالت بر آن دارد که خط فقر مناطق شهری حدود دو برابر خط فقر در مناطق روستایی است.

جدول ۳: برآورد خط فقر مناطق شهری و روستایی بر پایه ۵۰ درصد میانه مخارج طی سال‌های ۱۳۶۳-۷۹ سرانه - ماهانه - ریال

روستایی	شهری	سال
۳۸۳۴	۷۸۲۹	۶۳
۳۳۸۷	۶۶۸۹	۶۴
۳۵۶۲	۷۵۵۶	۶۵
۴۴۲۶۵	۸۲۸۶۵	۶۶
۵۱۲۰	۱۰۱۶۵	۶۷
۳۰۸۵	۱۲۰۹۴	۶۸
۶۰۷۸	۱۱۵۵۶	۶۹
۸۵۵۳	۱۴۹۹۵	۷۰
۱۱۱۱۹	۱۹۳۹۶	۷۱
۱۳۵۶۶	۲۴۷۲۱	۷۲
۱۸۸۰۴	۳۵۴۶۹	۷۳
۳۵۳۵۰	۶۱۳۸۱	۷۴
۴۳۱۵۵	۸۳۱۳۳	۷۵
۵۲۴۵۹	۹۶۸۸۲	۷۶
۶۳۷۵۸	۱۲۱۸۲۳	۷۷
۸۳۹۰۰	۱۴۵۰۵۵	۷۸
۹۸۳۴۴	۱۷۰۴۶۷	۷۹

ماخذ: یافته‌های پژوهش

در جدول شماره ۴ نتایج مربوط به برآورد خط فقر بر پایه ۶۶ درصد میانه مخارج خانوارهای شهری و روستایی طی سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۹ درج گردیده است. این نتایج دلالت بر آن دارد که در سال ۶۳ در جامعه شهری هر نفر ماهیانه به ۱۰۳۳۴ ریال نیاز داشته تا حداقل مایحتاج زندگی خود را تأمین کرده باشد. این رقم در سال ۷۹ به ۲۲۵۰۱۶ ریال افزایش یافته است. به عبارت دیگر این خط فقر از رشد سالانه‌ای معادل ۲۱ درصد برخوردار بوده است. در مناطق روستایی خط فقر برآوردی بر پایه ۶۶ درصد میانه مخارج در سال ۶۳ برابر ۵۰۶۰ ریال بوده که در سال ۷۹ به ۱۲۹۸۱۴ ریال افزایش یافته؛ یعنی سالانه رشدی معادل ۲۲ درصد داشته است.

جدول ۴: برآورد خط فقر مناطق شهری و روستایی بر پایه ۶۶ درصد میانه مخارج طی سال‌های ۱۳۶۳-۷۹
سرانه - ماهیانه - ریال

روستایی	شهری	سال
۵۰۶۰	۱۰۳۳۴	۶۳
۴۴۷۰	۸۸۲۹	۶۴
۴۷۰۲	۹۹۷۳	۶۵
۵۸۴۳	۱۰۹۳۸	۶۶
۶۷۵۹	۱۳۴۱۸	۶۷
۴۰۷۳	۱۵۹۶۴	۶۸
۸۰۲۳	۱۵۲۵۴	۶۹
۱۱۲۹۰	۱۹۷۹۴	۷۰
۱۴۶۷۸	۲۵۶۰۲	۷۱
۱۷۹۰۷	۳۲۶۳۲	۷۲
۲۴۸۲۱	۴۶۸۱۹	۷۳
۴۶۶۶۲	۸۱۰۲۳	۷۴

۵۶۹۵۶	۱۰۹۷۳۵	۷۵
۶۹۲۴۶	۱۲۷۸۸۴	۷۶
۹۴۱۶۰	۱۶۰۸۰۶	۷۷
۱۱۰۷۴۸	۱۹۱۴۷۳	۷۸
۱۲۹۸۱۴	۲۲۵۰۱۶	۷۹

ماخذ: یافته‌های پژوهش

۲-۲-۴) میانگین

خط فقر بر پایه درصدی از میانگین مخارج، همانند خط فقر بر پایه درصدی از میانه مخارج، بر مفهوم نسبی فقر استوار است. نتایج حاصل از برآورد خط فقر براساس ۵۰ درصد میانگین مخارج خانوارهای شهری و روستایی در جدول شماره ۵ درج گردیده است. این نتایج دلالت بر آن دارد که در سال ۶۳ خط فقر برآوردی برای هر نفر در ماه در مناطق شهری ۱۰۷۲۳ ریال بوده که در سال ۷۹ به ۲۳۴۱۹۹ ریال افزایش یافته؛ یعنی سالانه رشدی معادل ۲۱ درصد داشته است. برای مناطق روستایی خط فقر برآوردی بر پایه معیار فوق‌الذکر در سال ۶۳ برابر ۵۰۵۲/۵ ریال در هر ماه بوده که در سال ۷۹ به ۱۳۰۴۷۷ ریال افزایش یافته یعنی سالانه رشدی معادل ۲۲/۵ درصد داشته است. مقایسه مقادیر خط فقر بر پایه این معیار در تمامی سال‌های مورد مطالعه با مقادیر متناظر آن بر پایه ۵۰ درصد میانه مخارج در جامعه شهری و روستایی دلالت بر آن دارد که همواره خط فقر برآوردی روش اول بزرگ‌تر از روش دوم بوده است.

جدول ۵: برآورد خط فقر مناطق شهری و روستایی بر پایه ۵۰ درصد میانگین مخارج طی

سرانه - ماهیانه - ریال

سال‌های ۱۳۶۳-۷۹

روستایی	شهری	سال
۵۰۵۲/۵	۱۰۷۲۳	۶۳
۴۳۳۱	۹۰۹۷	۶۴

۴۷۷۳	۱۰۶۴۰	۶۵
۵۵۱۸/۵	۱۱۷۶۶	۶۶
۶۳۹۱	۱۳۷۵۵	۶۷
۷۶۶۹	۱۶۱۶۰	۶۸
۹۷۸۵/۵	۱۵۴۹۹	۶۹
۱۱۷۹۴	۲۰۷۷۷	۷۰
۱۴۴۵۰	۲۶۲۰۸	۷۱
۱۷۴۵۴	۳۳۱۵۲	۷۲

ادامه جدول ۵

۲۴۷۷۲	۴۷۹۷۰	۷۳
۴۷۷۲۱	۸۵۸۷۹	۷۴
۵۶۱۶۰	۱۱۶۹۹۱	۷۵
۶۹۶۹۶	۱۳۶۲۷۲	۷۶
۸۸۲۲۲	۱۶۸۷۹۲	۷۷
۱۱۳۳۶۵	۱۹۹۷۵۹	۷۸
۱۳۰۴۴۷	۲۳۴۱۹۹	۷۹

ماخذ: یافته‌های پژوهش

در جدول شماره ۶ نتایج برآورد خط فقر براساس ۶۶ درصد میانگین مخارج خانوارهای شهری و روستایی طی سال‌های ۶۳ تا ۷۹ ارائه گردیده است. این نتایج نشان می‌دهد خط فقر جامعه شهری در سال ۱۳۶۳ برابر ۱۴۱۵۴ ریال در ماه برای هر نفر بوده که در سال ۱۳۷۹ به ۳۰۹۱۴۳ ریال افزایش یافته؛ یعنی سالانه رشدی معادل ۲۱ درصد داشته است. برای جامعه روستایی خط فقر برآوردی بر پایه ملاک فوق‌الذکر در سال ۱۳۶۳ برابر ۶۶۶۹ ریال برای هر نفر در ماه بوده که در سال ۱۳۷۹ به رقم ۱۷۲۱۹۰ ریال افزایش یافته؛ یعنی سالانه رشدی معادل ۲۲ درصد داشته است.

جدول ۶: برآورد خط فقر مناطق شهری و روستایی بر پایه ۶۶ درصد میانگین مخارج طی

سرانه - ماهیانه - ریال

سال‌های ۷۹-۱۳۶۳

روستایی	شهری	سال
۶۶۶۹	۱۴۱۵۴	۶۳
۵۷۱۷	۱۲۰۰۸	۶۴
۶۳۰۰	۱۴۰۴۵	۶۵
۷۲۸۴	۱۵۵۳۱	۶۶
۸۴۳۶	۱۸۱۵۶	۶۷
۱۰۱۲۴	۲۱۳۳۱	۶۸

ادامه جدول ۶

۱۲۹۱۷	۲۰۴۵۹	۶۹
۱۵۵۶۸	۲۷۴۲۵	۷۰
۱۹۰۷۵	۳۴۵۹۴	۷۱
۲۳۰۳۹	۴۲۴۴۱	۷۲
۳۲۶۹۹	۶۳۳۲۰	۷۳
۶۲۹۹۲	۱۱۳۳۶۰	۷۴
۷۴۱۳۱	۱۵۴۴۲۸	۷۵
۹۱۹۹۹	۱۷۹۸۷۹	۷۶
۱۱۶۴۵۳	۲۲۲۸۰۵	۷۷
۱۴۹۶۴۲	۲۶۳۶۸۳	۷۸
۱۷۲۱۹۰	۳۰۹۱۴۳	۷۹

ماخذ: یافته‌های پژوهش

۳-۴) برآورد خط فقر بر پایه معکوس ضریب انگل

۱-۳-۴) روش اول

در نظریه رفتار مصرف‌کننده، قانون انگل همواره مورد توجه محققین بوده است و از این قانون در تنظیم سیاست‌های حمایتی و یارانه‌ای استفاده می‌شود. براساس این قانون با افزایش درآمد خانوار، سهم مخارج خوراکی از کل مخارج خانوار کاهش می‌یابد. در واقع انتظار می‌رود که درصد بالایی از مخارج خانوارهای فقیر به مواد غذایی اختصاص یابد. در بحث پیرامون فقر و به‌ویژه برای اندازه‌گیری خط فقر، از قانون انگل، که ناظر به رابطه بین مخارج خوراکی و مخارج کل خانوارها می‌باشد استفاده می‌شود. در این روش برای محاسبه خط فقر از ضریب انگل استفاده می‌شود. برای این کار ابتدا با تخمین رابطه بین مخارج خوراکی و کل مخارج خانوار، ضریب انگل تخمین زده می‌شود. برای تخمین ضریب انگل معمولاً از الگوهای زیر استفاده می‌شود:

$$۱) F = \alpha_0 + \alpha_1 E + \epsilon$$

$$۲) \ln F = \beta_0 + \beta_1 \ln F + \mu$$

$$۳) \ln F = \gamma_0 + \gamma_1 E + \theta$$

$$۴) F = \eta_0 + \eta_1 \ln E + \lambda$$

در تمامی مدل‌های فوق، F اشاره به مخارج خوراکی خانوارها و E به مخارج کل خانوارها دلالت دارد. ϵ ، μ ، θ و λ جملات پسماند الگوهای فوق می‌باشند. تخمین الگوهای فوق مستلزم دسترسی به اطلاعات مخارج خوراکی و مخارج کل خانوارها در قالب گروه‌های درآمدی یا چندک‌های درآمدی می‌باشد.

در این مقاله از داده‌های مقطع - زمانی (Cross-Section) در قالب دهک‌های مخارج استفاده شد و الگوهای اقتصادسنجی فوق برای هر یک از سال‌های دوره ۷۹-۱۳۶۳ تخمین زده شدند و سپس با توجه به مقادیر t و R^2 بهترین الگو تعیین و ضریب انگل مشخص شد (خداداد کاشی، فرهاد، ۱۳۸۱: ۷۱).

در مرحله بعد ضریب انگل هر یک از سال‌ها را معکوس نموده و عدد حاصل را در متوسط مخارج خوراکی خانوارها ضرب نموده تا خط فقر برای هر یک از سال‌ها محاسبه شود. لازم به توضیح است خط فقر محاسبه شده بر پایه معکوس ضریب انگل با مفهوم نسبی فقر سازگار می‌باشد.

نتایج حاصل از برآورد خط فقر در مناطق شهری و روستایی برای سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۹ با استفاده از این روش در جدول شماره ۷ ارائه شده است. این نتایج دلالت بر آن دارد که خط فقر شهری در ماه برای هر نفر رشدی معادل ۲۳ درصد داشته، زیرا از ۲۲۴۵۹ ریال در ماه برای یک نفر در سال ۱۳۶۳ به ۶۱۴۹۹۵ ریال در سال ۱۳۷۹ افزایش یافته است. در مناطق روستایی نرخ رشد سالانه خط فقر بر پایه معکوس ضریب انگل طی سال‌های مطالعه برابر ۲۲ درصد بوده زیرا از ۱۳۳۰۰ ریال برای هر نفر در ماه در سال ۱۳۶۳ به ۳۰۵۵۷۳ ریال در ماه برای هر نفر در سال ۱۳۷۹ افزایش یافته است. این رشد بسیار نزدیک به نرخ رشد سالانه مناطق شهری است. محاسبات نشان می‌دهند در طی تمامی سال‌های مطالعه، خط فقر شهری بزرگ‌تر از خط فقر مناطق روستایی بوده است.

جدول ۷: برآورد خط فقر مناطق شهری و روستایی بر پایه معکوس ضریب انگل طی سال‌های

۱۳۶۳-۷۹ - روش اول سرانه - ماهیانه - ریال

روستایی	شهری	سال
۱۳۳۰۰	۲۲۴۵۹	۶۳
۱۰۶۴۸	۱۷۹۸۸	۶۴

۹۷۳۶	۱۹۰۴۱	۶۵
۱۱۲۱۲	۲۲۹۰۱	۶۶
۱۵۳۸۷	۲۷۲۹۱	۶۷
۲۰۷۰۸	۳۱۶۰۳	۶۸
۲۳۵۰۹	۴۳۱۳۵	۶۹
۲۹۴۴۳	۶۵۵۳۲	۷۰
۳۵۵۱۴	۸۰۵۹۵	۷۱
۴۱۶۸۲	۹۹۶۶۵	۷۲
۶۳۴۶۳	۱۵۸۲۶۰	۷۳
۱۱۲۱۰۴	۲۴۳۷۸۲	۷۴
۱۴۲۴۴۱	۳۸۷۵۴۲	۷۵
۱۶۹۳۷۹	۴۲۳۷۱۵	۷۶
۱۸۹۶۱۱	۴۳۳۰۳۲	۷۷
۲۶۹۱۴۹	۵۱۱۷۰۷	۷۸
۳۰۵۵۷۳	۶۱۴۹۹۵	۷۹

ماخذ: یافته‌های پژوهش

۲-۳-۴) روش دوم

محاسبه خط فقر براساس معکوس ضریب انگل از آن جهت که کلیه گروه‌های درآمدی را در محاسبه ضریب انگل لحاظ می‌کند مورد انتقاد می‌باشد، زیرا این روش خط فقر را بیش از اندازه تعیین می‌کند. برای رفع این مشکل در محاسبه ضریب انگل پیشنهاد می‌شود که از مخارج گروه‌های فقیر استفاده شود. کاربرد این پیشنهاد، خود مستلزم تعیین فقرا از قبل می‌باشد و در واقع باید به ترتیبی فقیرها را شناسایی کنیم؛ در صورتی که هدف، تعیین خط فقر و سپس شناسایی فقیرها می‌باشد. برای رفع این مشکل به جای استفاده از متوسط مخارج خوراکی خانوارها، مخارج دهک اول درآمدی به‌عنوان شاخصی از مخارج فقیرها

در نظر گرفته شد. کاربرد روش اخیر موجب تخمین پایینی از خط فقر نسبی برحسب معیار معکوس ضریب انگل می‌شود.

بر پایه نتایج حاصل از برآورد خط فقر در این روش (جدول شماره ۸) در مناطق شهری در سال ۶۳ هر نفر ماهانه به ۵۰۳۵ ریال نیاز داشته است تا حداقل امکانات رفاهی را فراهم نماید، در حالی که این رقم در سال ۷۹ به ۱۴۲۹۴۹ ریال افزایش یافته است؛ یعنی خط فقر برآوردی، سالانه نرخ رشدی معادل ۲۳ درصد داشته است. در سال ۱۳۶۳ خط فقر روستایی معادل ۳۱۹۹ ریال برآورد شد که با ۲۱ درصد رشد سالانه در سال ۷۹ به رقم ۶۵۷۲۱ ریال در ماه برای هر نفر افزایش یافت.

جدول ۸: برآورد خط فقر مناطق شهری و روستایی بر پایه معکوس ضریب انگل طی سال‌های

۱۳۶۳-۷۹ - روش دوم سرانه - ماهانه - ریال

سال	شهری	روستایی
۶۳	۵۰۳۵	۳۱۹۹
۶۴	۴۱۴۷	۲۷۰۶
۶۵	۵۶۱۸	۱۹۷۰
۶۶	۵۱۵۰	۳۱۰۳
۶۷	۶۶۴۱	۳۷۸۵
۶۸	۹۰۱۸	۴۴۵۷

ادامه جدول ۸

۶۹	۱۱۸۳۷	۴۱۷۲
۷۰	۱۰۸۱۸	۴۱۱۷
۷۱	۱۴۲۳۱	۵۴۵۹
۷۲	۲۹۱۲	۷۲۸۵
۷۳	۳۱۵۰۲	۱۲۰۵۲
۷۴	۶۱۶۱۳	۲۱۹۲۸
۷۵	۸۶۸۰۱	۳۰۵۶۴

۳۴۲۴۲	۶۸۵۶۹	۷۶
۴۸۱۱۲	۱۳۳۸۱۷	۷۷
۶۴۱۱۸	۱۵۰۶۲۶	۷۸
۶۵۷۲۱	۱۴۲۹۴۹	۷۹

مأخذ: یافته‌های پژوهش

۵) نتیجه‌گیری

همان‌گونه که قبلاً اشاره شد خط فقر یک واقعیت خارجی ثابت نیست بلکه با توجه به باور محقق نسبت به مسائل ارزشی و اخلاقی و همچنین روش محاسبه، می‌توان مقادیر متعددی برای خط فقر در اختیار داشت. جداول شماره ۱ تا ۸ بر این امر گواهی می‌دهند. با مقایسه ارقام این جداول مشخص می‌گردد خط فقری که بر پایه مفهوم مطلق ساخته می‌شود کوچک‌تر از خط فقری است که بر مفهوم نسبی فقر استوار است. خط فقر بر اساس حداقل انرژی مورد نیاز (۲۱۷۹ کالری) در سال ۱۳۷۹ معادل ۱۵۳۴۰۸ ریال در ماه برای هر فرد شهری برآورد شد در حالی که در همان سال براساس روش معکوس ضریب انگل خط فقر معادل ۶۱۴۹۹۵ ریال برآورد شد بر این اساس ملاحظه می‌شود خط فقر بر حسب روش دوم، چهار برابر خط فقر مبتنی بر روش اول می‌باشد. در سال ۱۳۷۹ و در مناطق روستایی، خط فقر بر حسب معیار معکوس ضریب انگل، معادل ۳۰۵۵۷۳ ریال و بر حسب حداقل انرژی مورد نیاز (۲۱۷۹ کالری) به میزان ۸۴۶۸۴ ریال برآورد شد. در واقع خط فقر مبتنی بر روش ضریب انگل ۳/۶ برابر خط فقر مبتنی بر حداقل انرژی مورد نیاز می‌باشد. علت این تفاوت این است که خط فقر مبتنی بر معیار ۲۱۷۹ کالری، صرفاً براساس حداقل نیازهای انسان برآورد شده است و بر مفهوم مطلق فقر استوار است در حالی که در روش معکوس ضریب انگل، خط فقر براساس الگوی مخارج کلیه افراد جامعه محاسبه می‌شود و بر مفهوم نسبی فقر استوار می‌باشد.

در جدول شماره ۸ خط فقر بر اساس معیار ضریب انگل تعدیل شده محاسبه شده است و تعدیل به نحوی صورت گرفته است که مفهوم فقر مطلق اندازه خط فقر را متأثر نکند. در جدول شماره ۸ معکوس ضریب انگل در مخارج دهک اول درآمدی (فقیرترین فرد جامعه) ضرب شده است بنابراین خط فقر محاسبه شده به شدت متأثر از مخارج دهک اول می‌گردد. اجزای تشکیل‌دهنده این خط فقر بر دو مفهوم متفاوت فقر تأکید دارند. معکوس ضریب انگل، بر مفهوم نسبی و مخارج دهک اول، بر مفهوم مطلق فقر اشاره دارند و لذا خط فقر به دست آمده برآیندی از این دو مفهوم می‌باشد؛ اما با مقایسه ارقام جداول شماره ۱ و ۸ مشخص می‌گردد در محاسبه خط فقر جدول شماره ۸ وزنه اهمیت مفهوم مطلق فقر بر مفهوم نسبی فقر تسلط دارد.

در جدول شماره ۹ خط فقر بر اساس معیارهای مختلف برای سال‌های ۱۳۶۳ و ۱۳۷۹ و به تفکیک مناطق شهری و روستایی درج شده است. با مقایسه خط فقر برحسب معیارهای مرتبط با میانگین و میانه مخارج جامعه مشخص می‌گردد توزیع درآمد در مناطق شهری و روستایی ایرانی به صورت چوله راست می‌باشد زیرا خط فقرهای مرتبط با میانگین، بزرگتر از خط فقرهای مرتبط با میانه می‌باشند. با مقایسه اندازه خط فقر در سال‌های ۷۹ و ۶۳ مشخص می‌گردد در مناطق شهری خط فقر براساس معیار حداقل انرژی (۲۱۷۹ کالری) برابر افزایش یافته است در حالی که میزان افزایش خط فقر براساس معیار معکوس ضریب انگل $27/3$ برابر افزایش یافته است. نکته قابل توجه دیگر این است که در تمامی سال‌ها، خط فقر شهری بزرگتر از خط فقر روستایی بوده و کلیه روش‌های محاسبه خط فقر این نکته را تأیید می‌نمایند. علاوه بر این با مقایسه میزان افزایش خط فقر برحسب ملاک‌های مختلف، می‌توان نتیجه گرفت که نابرابری در توزیع درآمد در مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی افزایش یافته است. توضیح این که در طی سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۹ خط فقر مبتنی بر مفهوم مطلق فقر $14/1$ برابر شده است در حالی که خط فقر

برحسب معکوس ضریب انگل ۲۷/۳ برابر شده است. خط فقر اخیر از نحوه توزیع درآمد در جامعه متأثر می‌باشد. در مناطق روستایی، اندازه خط فقر برحسب روش‌های مختلف محاسبه خط فقر تقریباً به یک نسبت افزایش یافته است.

جدول ۹: نسبت خط فقر سال ۱۳۷۹ به خط فقر سال ۱۳۶۳

روستایی	شهری	روش
$\frac{۸۴۶۸۴}{۳۵۰۳} = ۲۴/۱$	$\frac{۱۵۳۴۰۸}{۱۰۸۶۷} = ۱۴/۱$	کالری ۲۱۷۹
$\frac{۸۹۳۸۳}{۳۶۹۸} = ۲۴/۲$	$\frac{۱۶۱۹۲۸}{۱۱۴۷۰} = ۱۴/۱$	کالری ۲۳۰۰
$\frac{۹۸۳۴۴}{۳۸۳۴} = ۲۵/۷$	$\frac{۱۷۰۴۶۷}{۷۸۲۹} = ۲۱/۷$	۵۰ درصد میانه
$\frac{۱۲۹۸۱۴}{۵۰۶۰} = ۲۵/۷$	$\frac{۲۲۵۰۱۶}{۱۰۳۳۴} = ۲۱/۷$	۶۶ درصد میانه
$\frac{۱۳۰۴۴۷}{۵۰۵۲} = ۲۵/۸$	$\frac{۲۳۴۱۹۹}{۱۰۷۲۳} = ۲۱/۸$	۵۰ درصد میانگین
$\frac{۱۷۲۱۹۰}{۶۶۶۹} = ۲۵/۸$	$\frac{۳۰۹۱۴۳}{۱۴۱۵۴} = ۲۱/۸$	۶۶ درصد میانگین
$\frac{۳۰۵۵۷۳}{۱۳۳۰۰} = ۲۲/۹$	$\frac{۶۱۴۹۹۵}{۲۲۴۵۹} = ۲۷/۳$	معکوس ضریب انگل (۱)
$\frac{۶۵۷۲۱}{۳۱۹۹} = ۲۰/۵$	$\frac{۱۴۲۹۴۹}{۵۰۳۵} = ۲۸/۳$	معکوس ضریب انگل (۲)

افزایش اندازه خط فقر در طی دوره مطالعه به عوامل مختلفی وابسته است. افزایش سطح عمومی قیمت‌ها یکی از این عوامل می‌باشد. در دهه ۶۰، جنگ و سیاست‌های حمایتی و یارانه‌ای موجب تثبیت قیمت‌ها و به ویژه قیمت مواد خوراکی شده بود، ولی با آغاز دهه ۷۰ سیاست کنترل قیمت جای خود را به رهاسازی قیمت‌ها داد. چند برابر شدن خط فقر، به‌ویژه خط فقر نسبی، ناشی از عدم موفقیت سیاست‌های توزیعی به ویژه در مناطق شهری

می‌باشد. البته دلایل متعدد دیگری را می‌توان شناسایی نمود اما چون هدف این مقاله صرفاً آرایه تصویر تحولات خط فقر بوده است لذا از ریشه‌یابی آن در این مقاله خودداری می‌کنیم. بررسی علل تحول خط فقر می‌تواند موضوع مطالعه دیگری توسط نویسندگان این مقاله یا سایر علاقه‌مندان باشد.

۱. ابوالفتحی‌قمی، ابوالفضل (۱۳۷۱). درآمدی بر شاخص‌های نابرابری درآمد و فقر. مرکز آمار ایران.
۲. اخوی، احمدی (۱۳۷۵). آیا فقیران افزایش یافته‌اند؟ در تحلیل و بررسی اقتصادی فقر. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
۳. خدادادکاشی، فرهاد (۱۳۷۷). اندازه‌گیری فقر در ایران برحسب خصوصیات اجتماعی و اقتصادی خانوارها: کاربرد شاخص سن. پژوهش‌نامه بازرگانی، شماره ۸.
۴. خداداد کاشی، فرهاد (۱۳۸۱). اندازه‌گیری شاخص‌های فقر در ایران: کاربرد انواع خط فقر، شکاف فقر، شاخص فقر، پژوهشکده آمار.
۵. خداداد کاشی، فرهاد و باقری، فریده، (۱۳۸۴). نحوه توزیع فقر در ایران. فصلنامه پژوهش‌های اقتصاد ایران، شماره ۲۲.
۶. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی (۱۳۸۱). طرح جامعه الگوی مصرف تهران.
۷. پژویان، جمشید (۱۳۷۱). شناسایی اقشار آسیب‌پذیر. تهران: معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصاد و دارایی.

8. Atkinson, A. (1987). "On the Measurement of poverty". *Econometrica*, 55, 749-60
9. Kinson, A. (1994). "Measurement of Poverty and Differences in Family Composition". *Economica*, 49
10. Johansen, F (1993). "Poverty Reduction in East Asia". World Bank.
11. Kakwani, N. (1993) "Statistical Inference in The Measurement of Poverty". *Review of Economics and Statistics*, 75 632-39
12. Pajooyan, J. (1994). "Establishing The Poverty Line". *Iranian Economic Review*.
13. Ravallion, M. (1998). "Poverty Lines in Theory and Practice" LSMS working paper, No 133, World Bank.
14. Sen, A. (1976). "Poverty: An Ordinal Approach to Measurement". *Econometrica*, 44, 219-31
15. Townsend, P. (1985). "A Sociological Approach to Measurement of Poverty: A Rejoinder to Professor Amartya Sen". Oxford Economic paper.
16. United Nation (1995). "UN Decade for Eradication of Poverty". General Assembly Resolution.
17. Wolff. E.N. (1992). "Economics of Poverty, Inequality and Discrimination". South-Western College Publishing.